

پرونده شخصیت نوجوانان بزهکار؛ نسبت چرایی و چگونگی (با مطالعه پرونده های دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان

تهران)

حسن عالی پور

استادیار، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

hassan.alipour@ut.ac.ir

بشرا حقیقی نسب (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

@gmail.com

چکیده

چرایی تشکیل پرونده شخصیت به طور مستقیم بر چگونگی تشکیل آن تاثیر دارد. به هر میزان، تشکیل پرونده شخصیت توجیه پذیرتر باشد، بهره گیری از آن، کارآمدتر خواهد بود. تشکیل پرونده شخصیت برای نوجوانان بزهکار از جهت چرایی، وجوه اشتراک و افتراق با پرونده شخصیت بزرگسالان دارد که وجوه اشتراک، توجیه پذیری آن را کاهش و وجوه افتراق، توجیه پذیری آن را افزایش می دهد. وجوه اشتراک، ناظر به مشخص نبودن جایگاه قانونی پرونده شخصیت، نامعلوم بودن جدایی این پرونده از پرونده عمل مجرمانه، ناروشن بودن چرایی اعمال این پرونده به جرایم مهم و فقدان سازوکارهای تاثیر و تاثیر نسبت به پرونده عمل مجرمانه است. در برابر وجوه افتراق، ناظر به تاکید پرونده شخصیت نوجوانان بر شخصیت مجرمانه بر اساس معیار سن، تسری به عموم جرایم ارتكابی نوجوانان و استثنا کردن اقل جرایم و وجود مقررهای افتراقی برای انطباق با علت تشکیل پرونده شخصیت است. با وجود وجوه افتراق برای تشکیل پرونده شخصیت نسبت به نوجوانان از جهت چرایی، ولی در رویه، چگونگی تشکیل این پرونده درباره نوجوانان، تمایزی با بزرگسالان ندارد.

نوشتار حاضر به صورت توصیف و تحلیل و با استفاده از منابع کتابخانه ای به مقوله چرایی پرونده شخصیت پرداخته و از طریق مطالعه اسنادی و بررسی کیفی برخی پرونده های دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار تهران و مشاهدات حضوری، به موضوع چگونگی پرونده شخصیت اشاره کرده است و به این نتیجه رسیده است که عدم تبیین چرایی و فلسفه پرونده شخصیت برای نوجوانان بزهکار، ریشه در قانونگذاری ناقص و ناشیانه در این زمینه داشته و با راهبردها و سیاست های قضایی تبیین نشده است. همین امر به طور موثر بر ناکارآمدی پرونده شخصیت، تاثیرگذار بوده است. پیشنهاد نوشتار همانا، اصلاح قانونی و ارایه راهبردهای قضایی محتوامحور به جای فرم محور در راستای کارآمدی پرونده شخصیت است و در این راستا بسا تعبیر اطلاعات مرتبط با علت یابی و زمینه شناختی جرم که در همان پرونده کیفری منعکس شود، مناسب تر از تعبیر پرونده شخصیت باشد.

واژگان کلیدی: پرونده شخصیت، بزهکاری نوجوانان، شخصیت نوجوانان، مسوولیت کیفری، کیفرگزینی

مقدمه

پرونده شخصیت در فرآیند کیفری را باید پرونده سوم نامید. پرونده نخست به نمایندگی از جامعه برای رسیدگی عادلانه و کیفر دادن مرتکب در صورت اثبات بزه وی، گشوده می‌شود که همان پرونده کیفری است. پرونده دوم برای بزه‌دیده تشکیل می‌شود تا زیان‌های وارده به وی خواه شخص حقیقی باشد خواه حقوقی، جبران شود که همان پرونده حقوقی است. پرونده سوم برای مرتکب تشکیل می‌شود تا در کنار جامعه و بزه‌دیده، پیامی به وی فرستاده شود که حقوق‌اش پشتیبانی می‌شود. با آنکه پرونده سوم، در کنار دو پرونده دیگر، بیانگر اهمیت شناخت وضعیت و شخصیت مرتکب است و ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری آن را پرونده‌ای مجزا از پرونده عمل مجرمانه می‌داند، ولی نهادی بدون توجیه است و از همین در، کارآمدی آن نیز با اما و اگر همراه است. چالش توجیه‌پذیری‌اش در سایه فلسفه و چرایی وضع است و ناکارآمدی آن نیز تابعی است از ابهام‌های مرتبط با چرایی. این امر بدین معنا است که اگر چرایی و ضرورت یک نهاد تازه وارد در نظام قضایی ایران تبیین نشود، لاجرم نمی‌تواند کارآمد و مشکل‌زدا باشد.

قانون یعنی مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، خود خاستگاه اصلی ابهام در چرایی تشکیل پرونده شخصیت است؛ در حالی که ماده ۲۰۳ تشکیل پرونده شخصیت را بر محوریت جرایم خطرناک قرار داده است، ماده ۲۸۶، تشکیل پرونده شخصیت را بر مدار شخصیت مرتکب معرفی می‌کند. ماده ۲۰۳ در حالی دست به معرفی نهاد نو در نظام دادرسی ایران می‌زند که روشن نمی‌کند، چرا این نهاد را پیش بینی می‌کند. حتی از جهت جایگاه چینش نیز ماده ۲۰۳ نسبتی به مواد پیش از خود برقرار نمی‌کند تا از جایگاه قانون و نسبتش با مواد دیگر، روشن شود که پرونده شخصیت به چه منظوری تشکیل می‌شود. گرچه دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه، به طور ناقص به این فلسفه پرداخته که منظور از تشکیل پرونده شخصیت، «اهمیت شناخت ابعاد شخصیتی و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی متهمان به ویژه اطفال و نوجوانان و کاربرد اطلاعات شخصیتی آنان در فرایند رسیدگی قضایی» است ولی روشن نمی‌کند که این پرونده چه کاربردی در مراحل رسیدگی خواهد داشت. اثر آن در تحقیقات مقدماتی کدام است، در دادرسی در چه جایگاهی قرار می‌گیرد و موضوع دفاعیات وکلای پرونده قرار می‌گیرد یا خیر و در زمان صدور حکم چه نقشی بازی می‌کند و چه پیامدی بر کیفر دارد و در پایان در گام اجرای مجازات چه نقشی خواهد داشت؟ حتی اگر بتوان برای این پرسش‌ها، پاسخی یافت یا بتوان ادعا کرد برخی از آنها در دستور العمل پیش گفته، در نظر گرفته شده است، باز چرایی پرونده شخصیت پر از ابهام است. اینکه در جرایم سالب حیات، پرونده شخصیت چه نیرویی در برابر کیفرهای ثابت دارد؟ آیا به راستی پرونده شخصیت در چنین جرایمی یک استثنا یا شانس برای محکوم خواهد داشت که بتواند به تاخیر یا تبدیل کیفر بیانجامد. از این مهمتر، چرا باید پرونده شخصیت برای جرایم مهم پیش‌بینی شود و چه ویژگی ای برای این جرایم دارد که برای جرایم متوسط و خرد ندارد؟

درباره نوجوانان که پرونده شخصیت گستره بیشتری از جرایم را در بر می‌گیرد، چرایی این نهاد دگرگون می‌شود. به نظر درباره نوجوانان، چرایی پرونده شخصیت نه تنها بر محور شخصیت مرتکب است که با وجود مستندات قانونی مانند ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی درباره تبدیل حد و قصاص به مجازات‌های تعزیری، می‌تواند توجیه بیشتری برای ماهیت وجودی این نهاد ارایه داد. با این حال، سایه ابهام در فلسفه کلی پرونده شخصیت همچنان مطرح است و نسبت به نوجوانان نیز تسری دارد و آن اینکه اگر فلسفه پرونده شخصیت برای ارزیابی و شناسایی شخصیت مرتکب است چرا در همه جرایم مطرح نیست و اینکه نقش پرونده شخصیت برای تاثیرگذاری در فرایند کیفری به ویژه کیفرگزینی جز در موارد خاص قانونی، چیست. در واقع ابهام اصلی در چرایی پرونده شخصیت در قبال نوجوانان ناشی از همان ابهام نسبت به علت وجودی این نهاد است.

فقدان سازوکارهای شفاف برای توجیه تشکیل پرونده شخصیت تبعاً بر روی چگونگی تشکیل تاثیر می گذارد. به سخن دیگر چگونگی پرونده شخصیت به طور قطع از چرایی آن تاثیر می پذیرد و چنانچه چرایی یک نهاد در نظام حقوقی روشن و موجه باشد، چگونگی اعمال آن می تواند توأم با توفیق یا شکست باشد ولی اگر چرایی آن روشن نباشد، چگونگی اعمال آن با احتمال بالا همراه با چالش و شکست است و از چنین نهادی نمی توان انتظار کارآمدی داشت. باور رایج بر این است که پرونده شخصیت برای توجه به مرتکب از منظر شخصیت وی و چرایی ارتکاب جرم است و کمتر به اثر پرونده شخصیت نگرسته می شود. به سخن دیگر نگاه به پرونده شخصیت پیشینی و رو به گذشته است تا پسینی و رو به آینده. همین نگرش جدا از تاثیر منفی بر کارآمدی این نهاد، در واقع ناشی از عدم توجه به فلسفه و چرایی تشکیل پرونده شخصیت است که این نوشتار در پی بررسی آن است. بر این اساس، مقاله در سه قسمت اصلی ابتدا به چرایی تشکیل پرونده شخصیت می پردازد تا روشن کند که با توجه به نظم کنونی حقوق کیفری ایران، چه توجیهاتی می توان برای تشکیل پرونده شخصیت ارایه داد. در این قسمت تشکیل پرونده بر مبنای توجه به جرم یا مسوولیت کیفری یا به کیفرگزینی، تحلیل می شود. سپس در قسمت دوم به چگونگی تشکیل پرونده شخصیت پرداخته می شود که در واقع یک بحث شکلی از فرایند شکل گیری و تکمیل و استفاده از پرونده شخصیت است. در این قسمت تحلیل می شود که اولاً شفاف نبودن فلسفه و جایگاه پرونده شخصیت چه تاثیری بر چگونگی پرونده شخصیت داشته است و ثانیاً فرایند شکل گیری و تداوم پرونده شخصیت به عنوان پرونده سوم یا پرونده مجزا از عمل مجرمانه تا چه اندازه از اصول و قواعد مشخص پیروی می کند. در قسمت سوم مقاله نیز به رویه عملی و قضایی در زمینه تشکیل پرونده شخصیت پرداخته می شود تا نسبت چرایی و چگونگی پرونده شخصیت در عمل مورد سنجش قرار بگیرد.

۱. چرایی تشکیل پرونده شخصیت

پرونده شخصیت چنانکه از عنوانش پیداست، برای بررسی شخصیت متهم است ولی چنانکه از ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری بر می آید، عنوان «پرونده بررسی خطرناکی متهم»، گویاتر می نماید، زیرا این ماده پرونده شخصیت را بر محوریت جرایم مهم، الزامی می کند. گرچه ماده ۲۸۶ قانون مزبور، پرونده شخصیت را به جرایم تعزیری درجه پنج و شش توسعه داده است ولی همچنان، سنجه تشکیل پرونده شخصیت، از دید قانونگذار خطرناکی جرایم است. همین نگرش قانونگذار، پرسش بنیادینی را پیش می کشد که به راستی فلسفه تشکیل پرونده شخصیت چیست؟

نخستین نکته ای که مطرح می شود، استثنایی بودن تشکیل پرونده شخصیت است. هم به جهت شمار عنوان های مجرمانه در قانون که بخش بسیار بزرگتر آن را جرایم تعزیری درجه ۵ تا ۸ تشکیل می دهد^۱ و هم آمار جرایم ارتكابی^۲، گویای این است که در واقع پرونده شخصیت نه برای بررسی شخصیت بزهکاران که برای سنجش خطرناکی جرم است. این چالش هنگامی پررنگ می شود که بررسی شخصیت مرتکبان جرایم متوسط بسا مهمتر از مرتکبان جرایم مهم باشد،

^۱ نزدیک به ۲۸۰۰ عنوان مجرمانه در قوانین کیفری ایران پیش بینی شده است که با لحاظ درجات تعزیر، جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ و ۷ و ۸، طیف بسیار گسترده تری از بقیه جرایم تعزیری و نیز جرایم مستوجب حد و جنایات را تشکیل می دهند و در این میان درجه شش در صدر همه انواع درجات است. رک به احمدزاده، رسول، مشایخی، زهرا؛ عناوین مجرمانه با طبقه بندی جدید، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۲

^۲ قوه قضائیه وارونه عنوان نهاد متبوعش اداره آمار و انفورماتیک قضایی، آماری از تعداد جرایم و پرونده ها، ورودی و خروجی و فرایندها ارایه نمی دهد. به طور کلی رقم جرایم مهم در سنجش با جرایم متوسط بسیار پایین است. به گفته رئیس نیروی انتظامی، سالانه نزدیک به هفت هزار جرم جنایی در ایران ارتکاب می یابد که در مقایسه با تعداد کل جرایم بسیار اندک است. رک [۱۸۹۳/farhikhtegandaily.com/page](http://farhikhtegandaily.com/page/۱۸۹۳)

در کشورهای دیگر نیز نسبت جرایم مهم و متوسط به همین صورت است برای نمونه بر پایه گزارش اداره پلیس جنایی فدرال، ۳۳ درصد از کل جرایم نزدیک به شش میلیون فقره جرم در سال ۲۰۲۴، یک جرم متوسط یعنی سرقت است و در واقع این میزان، تنها موید نقض یک ماده از مواد مرتبط با سرقت است یعنی ماده ۲۴۴ قانون مجازات آلمان. (S, IMK-Bericht, 2024, PKS. ۳۷)

زیرا با احتمال بسیار بالا، تکرار جرم و تبدیل سریع قصد مجرمانه به عمل مجرمانه به طور طبیعی در جرایم متوسط و خرد بیشتر است و چنین وضعیتی اقتضای بررسی شخصیت مجرم را دارد. باز چالش مهمتری مطرح می‌شود که اگر پرونده شخصیت برای توجه به وضعیت بزهکار در راستای کیفرگزینی مناسب است، چرا باید مرتکبان جرایم متوسط و خرد از این امتیاز بی‌بهره باشند به ویژه اینکه اگر پرونده شخصیت بر دقت و تناسب کیفرگزینی تأثیر داشته باشد، مرتکبان جرایم متوسط سزاوارتر از مرتکبان جرایم مهم‌اند.

بدیهی است که «یکی از اهداف مجازات اصلاح و بازپروری و به اجتماع بازگرداندن فرد بزهکار است و این امر ممکن نیست مگر با مطالعه و شناخت شخصیت بزهکار»^۳ و اینکه «قضات کیفری برخلاف قضات حقوقی (مدنی) لازم است از خصوصیات متهم اطلاع کافی داشته باشد تا بتواند در کنار پرونده جنایی به بررسی پرونده شخصیت بپردازد و حکم متناسب صادر کند»^۴ ولی جایگاه قانونی کنونی، پیوند استواری میان پرونده شخصیت و مسوولیت کیفری و نیز کیفرگزینی برقرار نمی‌کند. بنابراین در گام نخست، باید دانست که پرونده شخصیت بر چه اساس تشکیل می‌شود. فهم چرایی این نهاد، کلید فهم میزان کارآمدی‌اش در سامانه قضایی ایران است. به سخن دیگر، اگر به درستی فلسفه این تشکیل پرونده شخصیت دانسته شود، چگونگی تشکیل و کارآمدی و اثربخشی آن نیز شفاف‌تر می‌شود. بر این اساس، چرایی تشکیل را باید از زاویه هر سه بازیگر اصلی در حقوق کیفری یعنی جرم، مرتکب و مجازات بررسی کرد و در این راستا باید این چرایی میان پرونده شخصیت بزرگسالان و نوجوانان مقایسه شود.

۱-۱ الزامات مرتبط با جرم

وقوع جرم مهم‌ترین عامل در تشکیل پرونده شخصیت است و این پرونده با لحاظ عناصر جرم یعنی قصد، نحوه ارتکاب و بزه‌دیده تعریف می‌شود. اگرچه در حقوق کیفری جرم رفتاری است که در قانون برای آن مجازات تعیین گردیده، اما این تعریف توضیحی شکلی و ساده است و پاسخگوی واقعیت‌های پیچیده و چندلایه این پدیده نیست. جنبه اجتماعی جرم را نمی‌توان از آن جدا نمود و عملی را به صرف تعیین مجازات از طرف قانونگذار جرم تلقی نمود؛ نقض قانون و ارتکاب جرم در واقع حاصل لطمه به ارزش‌ها و هنجارهای بنیادینی است که جوامع به صورت ضمنی بر پایه آن استوار هستند و نقض آنان در قالب واکنش به جرم نمود پیدا می‌کند. عنصر مادی جرم، که ناظر بر رفتار عینی مرتکب است، در خلأ معنا ندارد؛ بلکه در بستر اجتماعی، روانی و خانوادگی باید تحلیل شود. عنصر روانی نیز، که ناظر بر نیت یا سوءنیت ارتکاب است، در نوجوانان بسیار پیچیده‌تر از بزرگسالان ظاهر می‌شود و نیازمند بررسی دقیق و تخصصی است. از منظر جرم‌شناسی که مطالعه چندشاخه‌ای وضعیت فرد مجرم با هدف پیشگیری از جرم است، جرم پدیده‌ای چندبُعدی ناشی از عوامل فردی، محیطی، روانی و فرهنگی است و پرونده شخصیت، ابزار مهمی برای تحلیل این ابعاد به شمار می‌آید.^۵ شدت، شیوه و نوع ارتکاب جرم نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم جرم دارند. وقوع یک عمل مجرمانه ممکن است ظاهری ساده و تکراری داشته باشد، اما در بطن خود حامل پیام‌هایی از وضعیت نابسامان روانی، فشار اجتماعی یا اختلال در ساختار هویتی فرد به خصوص در نوجوان باشد. جرم را نه به صرف یک رفتار مجرمانه، بلکه باید به مثابه بازتابی از یک زنجیره از عوامل موثر در زندگی فرد که او را در مسیر ارتکاب جرم قرار داده است تحلیل نمود تا زمینه‌ساز درکی انسانی‌تر، عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر از مرتکب باشد. در الگوهای نوین عدالت کیفری، پاسخ به جرم تنها به حمایت از بزه‌دیده محدود نمی‌شود،

^۳ رضا مظلومان، «آیا مجرم گناهکار است؟»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۰، شماره ۳ (۱۳۴۹): ص ۱۳۴-۱۵۹.

^۴ علی حسین نجفی ابرندآبادی، «تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری»، در: کیت سوتیل و دیگران، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه امیر روح‌الله صدیق بطحایی اصل (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۳)، ۹۲.

^۵ رضا نوربها، زمینه جرم‌شناسی، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸)، ۱۰.

بلکه شناخت شخصیت بزهکار و تطبیق واکنش‌ها با شرایط فردی او، شرط اصلی تحقق عدالت کیفری است و عدم آسیب‌شناسی دقیق جرم و نیازهای اصلاحی فرد، اجرای عدالت را مخدوش می‌سازد.^۶ ضرورتی ندارد قانون‌گذار تنها در جرایم مهم، مانند آنچه درباره بزرگسالان دیده می‌شود، تشکیل پرونده شخصیت را الزامی بداند. بلکه باید با پذیرش اینکه شدت و خطر جرم در نحوه ارتکاب آن نمود دارد، تفاوت را نه در اصل تشکیل، بلکه در عمق و شیوه بررسی اطلاعات لحاظ کند تا متناسب با اهداف اصلاحی و پیشگیرانه، از ابزارهای مناسب برای جلوگیری از تکرار جرم استفاده شود. شخصیت‌سنجی نمی‌تواند برای همه جرایم به‌صورت یکسان و قالبی انجام شود، بلکه با توجه به نوع جرم باید ماهیت اطلاعات تنظیم گردد تا بتوان در مسیر فردی‌سازی مجازات، شناسایی نیازهای حمایتی و ارزیابی قابلیت اصلاح‌پذیری فرد اقدام مؤثری کرد. اما در نظام حقوقی ایران، این منطق با چالش جدی روبروست. قانون‌گذار به‌گونه‌ای پارادوکسیکال در برخی از شدیدترین انواع جرم همچون جرایم سالب حیات که از معدود موارد الزام قانونی جهت تشکیل پرونده شخصیت است، قاضی مکلف به اجرای مجازاتی قطعی و غیرقابل تغییر است و عملاً هیچ‌گونه اختیار قضایی برای تغییر یا تعدیل مجازات پیش‌بینی نشده است. این پرسش مطرح می‌شود که اگر هدف، شناخت بهتر از فرد بزهکار برای صدور تصمیم عادلانه‌تر است، چگونه این هدف با اجرای اجباری مجازاتی غیرقابل تغییر هماهنگ است؟ شاید بتوان نقش اطلاعات مندرج در این پرونده را به‌صورت غیرمستقیم توجیه کرد؛ برای نمونه: در مرحله تحقیقات مقدماتی، اطلاعات روانی و خانوادگی متهم ممکن است در تشخیص نوع قتل مؤثر باشد؛ یا اینکه در روند مصالحه و جلب گذشت اولیای دم، دادگاه می‌تواند با استناد به ابعاد مثبت شخصیت متهم، زمینه را برای گذشت و تبدیل مجازات فراهم کند. اما واقع‌گرایانه باید پرسید: آیا این استفاده‌های غیرمستقیم از پرونده شخصیت در عمل تحقق می‌یابند؟ یا بیشتر در سطح ایده و امکان باقی مانده‌اند. نقد اصلی به قانونگذار آن است که در مواردی تشکیل پرونده شخصیت را الزامی کرده، بدون آنکه مشخص سازد این اجبار دقیقاً باید چه خروجی یا نتیجه‌ای در روند رسیدگی داشته باشد. نظام کیفری ایران از یک سو بر اجرای قطعی مجازات تأکید دارد و از سوی دیگر به جمع‌آوری اطلاعات شخصیتی می‌پردازد، بی‌آنکه چارچوب مشخصی در قانون یا دستورالعمل‌ها برای بهره‌برداری از این اطلاعات در تصمیم‌گیری قضایی ارائه شده باشد.

۲-۱ الزام مرتبط با مسوولیت کیفری

براساس اصل مسوولیت کیفری، فرد تنها زمانی سزاوار مجازات است که درک درستی از عمل خود داشته و آگاهانه آن را انجام داده باشد. تشخیص مسوولیت کیفری، نه امری یک دست و مطلق، بلکه باید نسبی و وابسته به شرایط فردی باشد. برای مثال، وقوع رفتار مشابه، در دو فرد با شرایط روانی، شناختی و اجتماعی متفاوت، می‌تواند پیامدهای کیفری متفاوتی به دنبال داشته باشد. پرونده شخصیت ابزاری است جهت روشن ساختن ابعاد پنهان از ظرفیت فرد برای مسوولیت‌پذیری و حتی در مورد بزرگسالان نیز نمی‌توان مسوولیت کیفری را بدون شناخت شخصیت فرد ارزیابی کرد. این اصل درباره نوجوانان نیازمند دقت بیشتری است، چون سن به‌عنوان یکی از عوامل درونی مؤثر در ارتکاب جرم، بر درک فرد از مفاهیم فردی و اجتماعی در هر دوره سنی تأثیر دارد.^۷ در سنین رشد، تمییز، اراده و درک پیامدها هنوز در حال شکل‌گیری‌اند و ارزیابی ظرفیت کیفری نوجوانان ضروری است. پرونده شخصیت، به ویژه درباره نوجوانان، ماهیتی سن‌محور دارد و بدون توجه به مراحل رشد، نمی‌توان وضعیت روانی و شناختی و اجتماعی آن‌ها را به درستی سنجید؛ چرا

^۶ علی نجفی توانا، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۵، شماره ۲، (۱۳۸۸)، ۲۴۳.

^۷ حامد مولایپور راشدی، سیدمهدی احمدی موسوی و امین‌الله زمانی، «مطالعه حقوقی-جرم‌شناختی پرونده شخصیت با رویکرد پیشگیرانه در حقوق ایران و کانادا»، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۱۴، شماره ۵۴، (۱۴۰۳)، ۴۷۱.

که سن، هم در تعیین مسوولیت کیفری و هم در ارزیابی تمیز و بلوغ فکری نقش اساسی دارد. در نظام کیفری ایران، سن مسوولیت کیفری بر مبنای سن بلوغ شرعی تعیین شده است. (ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) اما صرف رسیدن به این سن تقویمی، نشان‌دهنده کافی نیست و لازم است ویژگی‌های شخصیتی و سطح رشد ذهنی و هیجانی نیز به عنوان معیارهای مکمل در احراز مسوولیت کیفری لحاظ شوند. در مورد اطفال بزهکار، همواره این دیدگاه وجود داشته که به دلیل ناتوانی در درک حسن و قبح اعمال، فاقد مسوولیت کیفری‌اند و صغر سنی از عوامل رافع آن است. با این حال، این عدم مسوولیت نباید به معنای بی‌توجهی به رفتارهای پرخطر آنان باشد، زیرا قانون نگاهی حمایتی دارد و بی‌توجهی به نتایج زیان‌بار این رفتارها می‌تواند برای کودک و جامعه آسیب‌زا باشد.^۸ اسناد بین‌المللی نیز بر تعیین حداقل سن مسئولیت و تدابیر حمایتی برای این گروه تأکید دارند.^۹

در مورد نوجوانان، اهمیت بررسی شخصیت دو چندان می‌شود؛ زیرا هنوز به مرحله‌ی ثبات شخصیتی نرسیده‌اند و بسیاری از رفتارهای بزهکارانه در میان آنان ممکن است ناشی از الگوپذیری، هیجان‌طلبی یا عدم کنترل هیجانات باشد. این رویکرد در مواد ۸۸، ۸۹ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ منعکس شده؛ جایی که قانون‌گذار با تأکید بر سن، میزان رشد عقلانی و قدرت تمیز کودک یا نوجوان در زمان ارتکاب جرم، زمینه‌ی اعمال واکنش‌های تربیتی و حمایتی را فراهم کرده است. قانون‌گذار همچنین با نگاهی بینابین پذیرفته که صرف رسیدن به سن قانونی، به معنای برخورداری کامل از قوه تمیز نیست و نمی‌توان نوجوان را بلافاصله مشمول قواعد کیفری بزرگسالان دانست. اگر فرض را بر این بگذاریم که قانون‌گذار درصدد احراز منصفانه و واقع‌بینانه مسوولیت کیفری اطفال و نوجوانان است و صرفاً به دنبال واکنش شکلی یا تنبیهی نسبت به رفتار مجرمانه آنان نیست، آنگاه نمی‌توان تنها بر ملاک تقویمی سن یا صرف وقوع فعل مجرمانه تکیه کرد؛ بلکه باید بررسی شود که آیا نوجوان در زمان ارتکاب جرم، واقعاً از درک نادرستی رفتار خود، قابلیت تمیز و اراده آگاهانه برخوردار بوده است یا خیر. این پرسش‌ها و ابهاماتی که در فرآیند احراز مسوولیت کیفری نوجوانان مطرح می‌شود، در حالی بدون پاسخ‌های دقیق و مدون باقی مانده‌اند که یکی از مهم‌ترین ابزارهای شفاف‌سازی و سنجش این عناصر، یعنی پرونده شخصیت، از جایگاه قانونی مشخص و نظام‌مند برخوردار نیست؛ و نبود تبیین روشن درباره نقش، فرآیند و الزامات تشکیل آن، خود به یکی از موانع اساسی در تحقق عدالت کیفری برای این گروه سنی تبدیل شده است.

۱-۳ الزامات مرتبط با کیفرگزینی

مرحله کیفرگزینی یکی از حساس‌ترین مراحل تصمیم‌گیری قضایی است و قاضی باید میان اهداف بازدارندگی، تنبیه، اصلاح و بازپروری، تعادلی هوشمندانه برقرار کند؛ و «انتخاب نوع واکنش برای مجرم منوط به شناسایی شخصیت او پیش از محکومیت است».^{۱۰} اگرچه پرونده شخصیت «پرونده‌ای جدا از پرونده‌های اتهامی است و مربوط به رفتار مجرمانه و در واقع حاوی اطلاعاتی از شخصیت مرتکب رفتار است»^{۱۱} اما جایگاهی مستقل در احراز وقوع جرم یا تعیین مسوولیت کیفری ندارد. در نظام‌های سنتی، مجازات بر پایه صرف ارتکاب جرم است، اما در رویکردهای نوین، بررسی وضعیت ذهنی و روانی مرتکب به تناسب و توجیه کیفر کمک می‌کند.^{۱۲} در مورد اطفال و نوجوانان، هدف اصلی مداخله قضایی شناخت ظرفیت‌های یادگیری، رشد و بازپروری است، چرا که آنان در سنی قرار دارند که توانایی یادگیری و درک

^۸ باشگاه خبرنگاران جوان، اگر کودکی جرمی انجام دهد چگونه با وی برخورد می‌شود، <https://www.yjc.ir/fa/news>، ۶۰۹۹۹۵۲، ۲۶ خرداد ۱۳۹۶.

^۹ سیدعلی کاظمی، وحید هدایتی، شهناز چراغ و سارا غلامی، گزیده اسناد بین‌المللی حقوق کودک، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی، (۱۳۹۴)، ۵۱.

^{۱۰} جعفر یزدیان جعفری، «اصل فردی کردن مجازات‌ها، تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر»، فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱ (۱۳۸۵)، ۵۴.

^{۱۱} علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵)، ۱۹۶.

^{۱۲} ژاله رضویان نجف‌آبادی، «جایگاه وضعیت ذهنی و روانی مرتکب حین ارتکاب جرم در کیفرگزینی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ۱۳۹۶).

مفاهیم را دارند^{۱۳} و نمی‌توان نسبت به انعطاف‌پذیری روانی و تأثیر پذیری عمیق کودکان و نوجوانان بی‌تفاوت بود و «بهترین راه مبارزه با اطفال و نوجوانان بزهکار، تعیین عکس‌العمل مناسب با توجه به شخصیت واقعی طفل بزهکار می‌باشد»^{۱۴}. ذهن نوجوانان به شدت مستعد یادگیری مثبت یا منفی است و اگر این یادگیری در محیط‌های آسیب‌زا شکل گیرد، می‌تواند به تثبیت رفتار مجرمانه و افزایش احتمال تکرار جرم در آینده بینجامد. بنابراین، به‌جای رویکرد سزادهی، باید اصلاح، بازپروری و توانمندسازی در اولویت قرار گیرد، چرا که تمرکز قانون‌گذار بر آینده نوجوان بزهکار است.^{۱۵}

نحوه واکنش دستگاه عدالت کیفری نقش مهمی در شکل‌گیری هویت نوجوان دارد؛ زیرا برچسب‌زنی می‌تواند او را در مسیر بزهکاری نگه دارد. از دیدگاه ماتسودا^{۱۶} وقتی نوجوان احساس کند دیگران او را قانون‌شکن می‌دانند، احتمال گرایشش به بزهکاری افزایش می‌یابد، به ویژه در نبود حمایت نهادهای جامعه‌پذیری^{۱۷}. از این منظر، پرونده شخصیت نه تنها ابزار تشخیص، بلکه ابزاری برای پیشگیری از تصمیم‌های آسیب‌زا و برچسب‌زننده است. سیاست کیفری مؤثر باید مداخله کیفری را کاهش داده و استفاده از پاسخ‌های ترمیمی بدون جنبه شرمساری یا برچسب‌زنی تمرکز کند و تنها در موارد استثنایی مانند شدت جرم یا خطرناک بودن نوجوان، تدابیر کیفری سخت‌گیرانه در نظر گیرد.^{۱۸} وقوع جرم آغاز فرآیند دادرسی کیفری است، اما مسوولیت دستگاه قضا با صدور حکم پایان نمی‌یابد و اعمال تدابیر کیفری و غیرکیفری برای تربیت و جامعه‌پذیری کودک زمانی ممکن است که قاضی شناخت کافی از ویژگی‌های او داشته باشد.^{۱۹} ضرورتی ندارد که صرفاً برای رعایت تشریفات شکلی، پرونده شخصیت به‌صورت جداگانه و مجزا از پرونده کیفری تشکیل شود؛ چرا که هدف اصلی، کشف علل ارتکاب جرم و درک زمینه‌های شناختی رفتار بزهکار است. اگر این اطلاعات و تحلیل‌ها بتوانند حتی در قالب همان پرونده کیفری درج و مورد استفاده قرار گیرند، تمرکز صرف بر تفکیک صوری پرونده‌ها مغایرت با چرایی و فلسفه تشکیل آن دارد؛ بلکه باید به دستیابی درک عمیق‌تر از بزهکار و زمینه‌های رفتاری او حتی در بستر همان پرونده اصلی تأکید شود.

۲. چگونگی تشکیل پرونده شخصیت

هدف از تشکیل پرونده شخصیت باید بررسی شرایط زندگانی هر فرد در گذشته، بازسازی بهتر فضای شکل گرفته برای ارتکاب جرم، و اقدامات قضایی مؤثر روبه آینده در جهت بهبود فرد مرتکب باشد. غرض نباید صرفاً محدود به توضیح گذشته فرد باشد و تنها به عنوان گزارشی شکلی و بازتابی از سوابق و رفتارهای گذشته باشد. اگر این بُعد نادیده گرفته شود، فرآیند تشکیل پرونده به اقدامی صرفاً تشریفاتی تقلیل می‌یابد و مستقیماً بر کیفیت جمع‌آوری اطلاعات، دقت تحلیل‌ها و حتی انگیزه و جدیت دست‌اندرکاران آن تأثیر منفی می‌گذارد. در ادامه، سه الگوی اصلی برای تشکیل پرونده

^{۱۳} جواد صالحی، حسین پورمحمی‌آبادی و معصومه سالاری‌راد، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری اولیه و ثانویه کودکان»، مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴ (۱۳۹۱): ۱۲۹؛ به نقل از رزانه وینتر، سیاست‌های بین‌المللی در خصوص نوجوانان، تهران: صنوبر، (۱۳۸۲)

^{۱۴} هوشنگ شامیانی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵)، ۱۸۰.

^{۱۵} امیرحسین نیازپور، «پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴، بهار (۱۳۸۹)، ۵۶.

^{۱۶} Matsuda

^{۱۷} عباس محمدی اصل، «بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی»، تهران، نشر علم، ۱۳۸۵: ۱۱.

^{۱۸} هوشنگ آبروشن، علیرضا سایانی و بهزاد رضوی فرد، «جنبه‌های الگوی عدالت کیفری در پاسخ به بزهکاری اطفال و نوجوانان»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰۰ (پاییز ۱۴۰۱)، ۱۲۶.

^{۱۹} علی نجفی توانا، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ اول (تهران: انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۲)، ۱۶۰.

شخصیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر یک از این روش‌ها دارای ویژگی‌ها، مزایا، چالش‌ها و نقش‌های متفاوتی در فرآیند دادرسی هستند که تحلیل آن‌ها می‌تواند به ارزیابی بهتر وضعیت موجود نظام حقوقی کشور یاری رساند.

۱-۲ شیوه مددکارانه

تشکیل پرونده شخصیت به ویژه در مورد اطفال و نوجوانان امکان بازسازی فضای ارتکاب جرم را نیز در اختیار مقام قضایی قرار می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا درکی کامل‌تر از علل ارتکاب جرم به دست آورد. «مجرمین تحت تأثیر عوامل مختلف مرتکب جرم شده‌اند که شخصیت مجرمانه آنها را تشکیل داده است. علت بروز بزهکاری معمولاً علت واحدی نیست». ^{۲۰} تحلیل بزهکاری، خصوصاً در میان نوجوانان، نیازمند نگاهی چندجانبه است؛ زیرا ارتکاب جرم اغلب حاصل تعامل پیچیده‌ای از عوامل است که هر یک به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز انحراف فرد از مسیر هنجارمند شود. از دیدگاه روان‌شناسی، بزهکاری نوجوانان می‌تواند نتیجه ناکامی‌ها و تعارضات دوران رشد باشد. عوامل اجتماعی نیز نقش مهمی دارند؛ جامعه‌شناسان به تأثیر محیط، تراکم جمعیت، مسکن و شرایط اقتصادی، به ویژه فقر، در گرایش به بزهکاری اشاره کرده‌اند. بنابراین، تحلیل بزهکاری نیازمند توجه هم‌زمان به همه عوامل مؤثر است (همان). از نگاه مددکارانه برای تحقق این هدف، فرآیندی چند مرحله‌ای تحت عنوان آبروآسیون ^{۲۱} لازم است. تحقیقات آبروآسیون از منظر پزشکی شامل بررسی سلامت جسمی، بیماری‌ها، عوامل ارثی و اعتیاد در ارتباط با ارتکاب جرم است. بررسی علمی این موارد می‌تواند الگویی مؤثر برای درمان و تصمیم‌گیری قضایی فراهم کند ^{۲۲} از منظر روان‌پزشکی، تحلیل احساسات و تعارضات درونی بزهکار به شناسایی پیوند میان اختلالات رشد یا پرخاشگری با جرم کمک می‌کند. مددکاران نیز با بررسی نشانه‌های روانی در کودک، آن‌ها را در پرونده شخصیت ثبت و در صورت نیاز، به متخصصان ارجاع می‌دهند. ^{۲۳} از منظر اجتماعی، عوامل خانوادگی، اقتصادی، آموزشی و روابط اجتماعی در شکل‌گیری بزهکاری بررسی و تحلیل می‌شوند؛ چرا که «جامعه شناسی جنایی جرم را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که موجودیتش وابسته به عوامل خارجی است و بر فرد و اجتماع تأثیر می‌بخشد». ^{۲۴} مددکاران اجتماعی تنها گردآورنده اطلاعات نیستند، لکه با شناسایی مشکلات فرد، به اصلاح رفتار و پیشگیری از بزهکاری کمک کرده و قاضی را در صدور حکم مناسب یاری می‌دهند ^{۲۵} در صورت تشخیص وضعیت خطرناک کودک یا نوجوان، قاضی می‌تواند دستور آبروآسیون در محیط بسته را صادر کند که در مراکز تربیتی یا مراقبتی انجام می‌شود. ^{۲۶} در این فرآیند ضعف‌های قابل توجهی در قوانین وجود دارد. فقدان ساز و کار موثر برای برقراری ارتباط متقابل، موجب گسست تحلیلی در روند دادرسی می‌شود. تشکیل پرونده شخصیت نه فقط مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده بلکه نیازمند روندی منسجم و تخصص محور است. متأسفانه قانون‌گذار نه تنها شیوه اجرایی روشنی ارائه نکرده،

^{۲۰} لاله عاکفی، امیر ایروانیان و امیر پاک‌نهاد، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار از دیدگاه زنان کارشناس»، فصلنامه زن و جامعه، دوره یازدهم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۹۹)، ۱۱۹.

^{۲۱} Observation

^{۲۲} هوشنگ شامبیانی، پیشین، ۵۴.

^{۲۳} همانجا، ۱۲۵.

^{۲۴} علی نجفی توانا، پیشین، ۴۶.

^{۲۵} پگاه قربانی زبردی، پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار: با رویکردی تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایالات کالیفرنیا (تهران: جاودانه،

جنگل، ۱۳۹۲)، ۱۱۰.

^{۲۶} همانجا، ۱۲۲.

بلکه با سکوت خود زمینه سردرگمی و اجرای سلیقه‌ای آن را فراهم ساخته؛ این در حالی است که تشکیل چنین پرونده‌ای نیازمند مشارکت کارشناسان و مددکاران متخصص است تا نظام دادرسی را از سطحی‌نگری خارج کند.^{۲۷}

۲-۲ شیوه قضایی

تشکیل پرونده شخصیت نشان‌دهنده عبور از نگاه صرف حقوقی و کیفری به جرم و پرداختن به جنبه‌های انسانی آن است. واکنش اجتماعی موثر زمانی امکان‌پذیر است که قاضی شناختی دقیق از متهم داشته باشد؛ تصمیم‌گیری بدون درک واقعی از شخصیت بزهکار، منجر به واکنشی خواهد شد که از واقعیت‌های علمی فاصله زیادی دارد.^{۲۸}

با تصویب قانون جدید در سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار بر اهمیت توجه به شخصیت متهم تأکید کرده و با استناد به اصل «بما یراه الحاكم»، از قاضی می‌خواهد تا با رویکردی جرم‌شناسانه و بررسی شرایط فردی و محیطی متهم، حکم کیفری را به صورت فردی‌سازی شده صادر کند.^{۲۹} اگرچه قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی به طور صریح به لزوم تشکیل پرونده شخصیت برای بزرگسالان اشاره نکرده، اما در موادی مانند ۲۳ و ۲۴ در ارتباط با تعیین مجازات متناسب و مجازات تکمیلی، ۳۷ تا ۳۹ در زمینه تقلیل، تخفیف یا معافیت از مجازات و ۴۳، ۴۵ و ۵۶، تلویحاً بر اهمیت بررسی ویژگی‌های شخصی بزهکار تأکید شده است. همچنین از مواد ۸۸ تا ۹۴ درباره جرایم اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال، نیاز به تشکیل پرونده شخصیت به صورت ضمنی برداشت می‌شود.

آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با درکی روشن‌تر از ضرورت پرونده شخصیت، آن را در برخی جرایم الزامی و در برخی دیگر اختیاری دانسته است. طبق ماده ۲۰۳، در جرایم مهم، بازپرس موظف است در مرحله تحقیقات مقدماتی دستور تشکیل این پرونده را به واحد مددکاری اجتماعی بدهد. ماده ۲۷۹ نیز به لزوم درج خلاصه‌ای از پرونده شخصیت یا وضعیت روانی در کیفرخواست اشاره دارد. در ماده ۲۸۶، قانون‌گذار با تأکید بر اصول روان‌شناختی و تربیتی، تشکیل پرونده شخصیت را در محاکمه و اصلاح اطفال و نوجوانان نه فقط در جرایم مهم، بلکه در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز الزامی دانسته است. هرچند جرایم سبک‌تر (درجه ۷ و ۸) از الزام تشکیل این پرونده مستثنا شده‌اند، این پرسش مطرح است که آیا این امر به معنای نادیده گرفتن شخصیت مرتکب است؟ یا شاید هدف، پیشگیری از برچسب‌زنی‌های زود هنگام در این گروه سنی است. با این حال، به نظر می‌رسد اطلاعات مرتبط با شخصیت، هرچند نه در قالب یک پرونده مستقل، اما به طور ضمنی در پرونده کیفری منعکس می‌شود. همچنین، در ماده ۲۹۸ به نقش مشورتی مشاوران اشاره شده و ماده ۴۱۰ نیز شرایط و تخصص‌های لازم برای این مشاوران را تعیین کرده است.

در سال ۱۳۹۸، قانون‌گذار با تصویب دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت، بر اهمیت شناخت فرد مرتکب و کاربرد اطلاعات شخصیتی در تمام مراحل دادرسی تأکید کرد. این دستورالعمل، تشکیل پرونده را در جرایم خاص، از جمله جرایم اطفال و نوجوانان، الزامی می‌داند. با این حال، تبصره ۲ ماده ۷ با بیان اینکه عدم تکمیل این پرونده مانعی برای ادامه دادرسی نیست، به دلیل نبود ضمانت اجرای روشن، موجب تعارض و تضعیف الزام قانونی می‌شود. مطابق مواد ۴ و ۵ صدور دستور تشکیل پرونده برعهده بازپرس یا قاضی است و بر اساس ماده ۱۵، قاضی باید در رأی خود به محتوای پرونده استناد کند یا دلایل رد آن را ارائه دهد. با این حال، قانون‌گذار هیچ پیگردی برای مقام مسوول در صورت عدم اجرای این وظایف پیش‌بینی نکرده است. در این حالت چگونه می‌توان انتظار داشت که تشکیل پرونده شخصیت از حالت صوری خارج نشود؟

^{۲۷} باقر شاملو و محمد گوزلی، «پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۲ (۱۳۹۰)، ۹۵.

^{۲۸} مرتضی محسنی، کلیات حقوق جزای عمومی، چاپ اول (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۵)، ۳۱.

^{۲۹} علی حسین نجفی ابرندآبادی، همان، ۱۸.

در مرحله تحقیقات مقدماتی، بازپرس یا دادیار می‌تواند برای شناخت بیشتر از وضعیت متهم و «به منظور رعایت تناسب در قرارهای تامین کیفری، تعقیب و بایگانی کردن پرونده»^{۳۰} دستور تهیه گزارش مددکاری یا ارجاع به پزشکی قانونی و روان‌پزشک صادر کنند. در مراجع عالی نیز به دلیل رسیدگی شکلی، عملاً نقشی در تشکیل یا تکمیل این پرونده ندارند. قضات نقش محدودی در شکل‌گیری پرونده شخصیت دارند و در مقام دستوردهنده یا استفاده‌کننده از داده‌های ارائه شده هستند، نه در جایگاه طراحی، پیگیری و تکمیل این پرونده. بدون حضور یک نهاد یا مقام مشخص برای هدایت و مدیریت تشکیل پرونده شخصیت، این فرآیند ناقص می‌ماند و به درستی اجرا نمی‌گردد. هرچند دستورالعمل تشکیل این پرونده را بر عهده مددکاران و کارشناسان تعیین‌شده توسط رئیس حوزه قضایی می‌داند، اما هیچ استاندارد روشنی برای ابزارها و شیوه‌های ارزیابی شخصیت ارائه نکرده است. این ابهام می‌تواند منجر به محتواهای پراکنده و وابسته به سلیقه افراد شود، و جای خالی مکانیزم‌های مشخص برای کنترل کیفیت اطلاعات همچنان احساس می‌شود.

۳-۲ شیوه ترکیبی

در این بخش تلاش بر تحلیل موضوع با رویکردی تطبیقی به نظام حقوقی دو کشور ایران و انگلستان می‌باشد، تا با بهره‌گیری از تجربیات اخذ شده در نظام قضایی کشورهای مذکور، بتوان رویکردی بهتر و مؤثرتر جهت به کارگیری پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی و ارتقای عدالت کیفری اتخاذ نمود.

تشکیل پرونده شخصیت در بسیاری از نظام‌های حقوقی، یک ضرورت تلقی می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (اصلاحیه ۱۹۹۳)، این پرونده در جرایم جنایی الزامی و در جرایم جنحه، اختیاری است.^{۳۱} در ایالت کالیفرنیا آمریکا پرونده روانشناختی^{۳۲} و در مینوسوتا آمریکا پرونده شخصیت^{۳۳} در راستای شناسایی وضعیت شخصیت فرد بزه‌کار به کار گرفته می‌شوند.^{۳۴}

نظام حقوقی انگلستان یکی از منسجم‌ترین الگوها را در استفاده از گزارش‌های پیش از صدور حکم^{۳۵} دارد؛ گزارش‌هایی که توسط افسران ناظر^{۳۶} تهیه شده تا مجازاتی متناسب با شدت جرم و نیازهای بازپروری مجرم تعیین شود. ارائه این گزارش‌ها از سوی خدمات نظارت^{۳۷} در مواقع ضروری یک الزام قانونی است.^{۳۸} در نظام حقوقی انگلستان بررسی دقیق شخصیت متهم به اندازه بزه‌دیده و جامعه اهمیت دارد. وزارت دادگستری تأکید دارد که گزارش‌ها توصیه‌هایی برای تعیین مجازات‌اند که بر پایه اطلاعات شخصی، امنیت عمومی و نیازهای اصلاحی تنظیم می‌شوند. کارشناسان خدمات نظارت

^{۳۰} راضیه سبزه‌علی، محمود اشرافی و مسعود حیدری، «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۲، شماره ۱۰۴ (۱۳۹۶).

۷۴.

^{۳۱} محمد آشوری و شادی عظیم‌زاده، «جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پدیدار شدن بزهکاری جوانان»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۳، شماره ۱ (۱۳۹۲).

۲۰۵.

^{۳۲} Psychological Inventory

^{۳۳} Personality Inventory (P.I)

^{۳۴} X. Ge, B. Donnellan, and E. Wenk, "Differences in Personality and Patterns of Recidivism between Early Starters and Other Serious Male Offenders," Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law (University of California, 2003), 70.

^{۳۵} Pre-Sentence Reports

^{۳۶} Probation Officers

^{۳۷} Probation Service

^{۳۸} HM Inspectorate of Probation. (2024). Court reports. UK Government.

URL: <https://hmiprobation.justiceinspectorates.gov.uk/document/annual-report-2024/>

با ارزیابی ریسک و ارائه پیشنهادها هدفمند، به صدور احکام مؤثر کمک می‌کنند و ضمن تقویت امنیت عمومی، روند توانبخشی فرد پس از آزادی را نیز تسهیل می‌سازند.^{۳۹} بر اساس دستورالعمل‌های رسمی، در دادگاه‌های معادل دادگاه صلح یا بدوی^{۴۰} یا معادل دادگاه عالی کیفری^{۴۱} پیش از صدور حکم خدمات اجتماعی^{۴۲} یا حبس گزارش پیش از صدور حکم را دریافت می‌کنند، مگر در موارد استثنایی که ضرورتی برای آن تشخیص داده نشود.^{۴۳} این الزام قانونی نشان می‌دهد که نظام قضایی انگلستان فرآیند کیفرگزینی را بدون بررسی شخصیت متهم ناکامل می‌داند. نویسندگان گزارش با ارزیابی خطر و سوابق متهم، اطلاعات لازم را فراهم کرده و در صورت نیاز به تکمیل، تأخیر در صدور حکم را پیشنهاد می‌دهند.^{۴۴} نقش مددکار اجتماعی از گزارش‌دهی صرف فراتر رفته و بخشی از روند علمی و مشارکتی دادرسی شده است. نویسندگان گزارش‌ها با در نظر گرفتن عواملی چون شدت جرم، مسئولیت‌پذیری و دستورالعمل‌های قضایی، تحلیلی بی‌طرفانه ارائه می‌دهند و عوامل تشدیدکننده‌ای مانند انگیزه‌های تبعیض‌آمیز را نیز بررسی می‌کنند. ارزیابی گزارش‌های پیش از صدور حکم عمدتاً بر سه محور پیش‌بینی احتمال تکرار جرم^{۴۵}، برآورد ریسک بازگشت به جرایم جدی طی دو ساله مانند خشونت و جرایم جنسی^{۴۶}، و سنجش میزان خطر آسیب جدی^{۴۷} متمرکزند و بر تأثیر جرم بر بزه‌دیده و وضعیت روانی و جسمی متهم می‌پردازند.^{۴۸} در حالی که در نظام قضایی ایران چنین ارزیابی‌های ساختاریافته‌ای وجود ندارد و تصمیم‌گیری قضات معمولاً بدون پشتوانه تخصصی انجام می‌شود. کیفیت این گزارش‌ها به آموزش و تخصص ماموران ناظر بستگی دارد. در انگلستان و البته به صورت مشابه در آلمان، برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای در زمینه ارزیابی ریسک، مصاحبه و نگارش گزارش طراحی شده تا ماموران بتوانند دیدگاه جامعی درباره متهم ارائه دهند.^{۴۹} در ایران، مددکاران اجتماعی در نظام قضایی ایران نقش فرعی و غیرتعهدآور دارند. در مقابل، تحلیل چندلایه‌ای گزارش‌ها در انگلستان، پل ارتباطی میان جرم و مجازات است و به دادگاه کمک می‌کند تا در صورت امکان، مجازات‌های جایگزین را پیشنهاد دهد.^{۵۰} قانون‌گذار انگلستان به‌طور ویژه بر تشکیل پرونده شخصیت در جرایم اطفال و نوجوانان تأکید دارد. نویسنده گزارش باید با درک تأثیر آن بر روند دادرسی، عواملی مانند سن، بلوغ، آسیب‌پذیری، تأثیر همسالان، نقش خانواده و

³⁹ Ministry of Justice, Probation Court Services Policy Framework (UK Government, 2025), 9,
URL: https://assets.publishing.service.gov.uk/media/6787a1d25a1adfc79556df1e/2024_01_14_-_Probation_Court_Services_Policy_Framework.pdf

⁴⁰ The Magistrates' Court

⁴¹ Crown Court

⁴² Community Order

⁴³ Sentencing Act 2020 - Section 30 (UK Government, 2020), available at : Legislation.gov.uk.

⁴⁴ Ibidem. 12.

⁴⁵ Offender Group Reconviction Score (OGRS)

⁴⁶ The Risk of Serious Recidivism (RSR)

⁴⁷ Risk of Serious Harm (RSH)

⁴⁸ Zilka, M., Sargeant, H., and Weller, A. "Transparency, Governance and Regulation of Algorithmic Tools Deployed in the Criminal Justice System : A UK Case Study." 2022. 884.

⁴⁹ van Kalmthout, A. M., and Durnescu, I. "European Probation Service Systems : A Comparative Overview." In Probation in Europe, edited by A. M. van Kalmthout and I. Durnescu, 1-42. Nijmegen : Wolf Legal Publishers (WLP), 2008. 1-42.

⁵⁰ ibidem. 39.

پیامدهای حبس را ارزیابی کرده و مداخله‌ای متناسب با حمایت و رشد نوجوان پیشنهاد دهد.^{۵۱} موفقیت اینگونه گزارش‌ها در نظام‌های نوین وابسته به حمایت قضایی، آموزشی و اجتماعی است، و صرف پیش‌بینی آن‌ها بدون فرهنگ‌سازی و آموزش مؤثر نخواهد بود. در بریتانیا و آمریکا، کمپین‌های آگاهی‌بخشی و دوره‌های آموزشی برای قضات برگزار می‌شود تا فواید مجازات‌های جایگزین حبس با تأکید بر منافع اجتماعی ترویج شود. شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد این گزارش‌ها ضمن تسهیل صدور حکم، بازپروری را ارتقا داده و از ازدحام زندان‌ها می‌کاهند. همچنین آگاه‌سازی شده که مجازات‌های صرفاً تنبیهی و نامتناسب، پیامدهای انسانی، اقتصادی و اجتماعی طولانی‌مدتی به دنبال دارند.^{۵۲}

نظام دادرسی انگلستان نیز قطعاً خالی از ایراد نیست و با چالش‌هایی روبه‌روست؛ تمایل به تسریع در دادرسی می‌تواند دقت ارزیابی‌های شخصیتی را کاهش دهد. اگرچه تحویل به‌موقع گزارش مهم است، اما کیفیت نباید قربانی سرعت شود. آنچه اهمیت دارد، دقت و عمق محتوای گزارش‌هاست که در بستری فراتر از نگاه سرعت‌محور امکان‌پذیر است.^{۵۳} آنچه مهم است، شناسایی موانع و رفع آن‌هاست. چالش جدی دیگر، کمبود نیروی انسانی در خدمات مددکاری قضایی است که با افزایش فشارکاری، روند رسیدگی به پرونده‌ها را کند می‌کند.^{۵۴}

آیین‌نامه‌های نظام حقوقی انگلستان نشان‌دهنده رویکرد جدی قانون‌گذار در بهره‌گیری مؤثر از گزارش‌های شخصیت در دادرسی‌اند. در مقابل، تصویب دستورالعمل‌های صوری بدون استفاده از تجربیات بین‌المللی نمی‌تواند به اصلاح واقعی نظام قضایی منجر شود. اجرای موفق این گزارش‌ها نیازمند اصلاحات قانونی، تقویت آزادی مشروط و استانداردسازی است تا عدالت کیفری با الگوهای جهانی هم‌سو شود و به نفع جامعه و مجرم باشد.^{۵۵}

۳. تحلیل یافته‌های تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی تهران

با توجه به مطالب پیش‌گفته، به نظر می‌رسد نظام دادرسی کیفری ایران در سال‌های اخیر سعی دارد گام‌هایی برای عبور از رویکرد سنتی و مجازات‌محور به ویژه در حوزه اطفال و نوجوانان بردارد؛ چه این تغییر رویکرد ناشی از درک داخلی از پیامدهای بلندمدت مجازات‌های غیرهوشمند باشد و چه حاصل تأثیرپذیری از نظام‌های پیشرو کیفری در جهان. آن‌طور که پیداست نگاه نظام قضایی به کودک یا نوجوان بزه‌کار دیگر صرفاً بر اساس جرم ارتكابی او نیست. اما آنچه اکنون اهمیت دارد، بررسی این موضوع است که آیا این سیاست‌ها و الزامات قانونی در عمل نیز به درستی پیاده‌سازی می‌شوند؟ آیا دادسراها و دیگر نهادهای ذی‌ربط در مسیر تحقق اهداف بازپرورانه و اصلاح‌گرایانه، گام‌های موثری برداشته‌اند، یا اینکه اقدامات صورت‌گرفته بیشتر جنبه شکلی داشته و صرفاً برای هم راستا شدن با ادبیات جهانی حقوق کودک و دادرسی نوین کیفری است؟ برای ورود به تحلیل دقیق‌تر، در ادامه به بررسی نحوه گردآوری، ارزیابی و انسجام اطلاعات موجود در پرونده‌های شخصیت نوجوانان در دادسرای تهران پرداخته می‌شود.

۳-۱ شیوه گردآوری اطلاعات

تحلیل محتوای پرونده‌های شخصیت نشان می‌دهد که روند تشکیل آن‌ها در عمل غالباً صوری، سطحی و ناکارآمد است. عنوان «پرونده شخصیت» در نگاه اول تداعی‌کننده یک پوشه منظم و تخصصی است، اما در عمل، اولین مواجهه

⁵¹ Ministry of Justice. Probation Service Management of Young Adults. UK Government, 2022. 5. URL.

<https://assets.publishing.service.gov.uk/media/61fba1478fa8f5388a7ccd0f/probation-service-management-young-adults.pdf>

⁵² Tešović, O. Introducing Pre-Sentence Reports in the Serbian Criminal Justice System: Comparative Experiences and Potential Benefits. 2024.

112.

⁵³ Robinson, G. J. "Stand-Down and Deliver: Pre-Sentence Reports, Quality and the New Culture of Speed." Probation Journal 64, no. 4 (2017). 18.

⁵⁴ Rizk, T., and Bhakta, T. A Process Evaluation of the Pre-Sentence Report Pilot. 2023. 23.

⁵⁵ ibidem. 113.

با آن تصویری متفاوت و حتی متضاد را نشان می‌دهد؛ تنها هفت ورقه به صورت پیوست در میان اوراق پرونده کیفری قرار داشت که حاوی چند پرسش کلی و ساده بود. پاسخ‌ها غالباً به شکل جملات کوتاه، تک واژه‌ای و بدون هیچ‌گونه تحلیل یا تفسیر حرفه‌ای ارائه شده بودند. به راحتی می‌توان دریافت هیچ‌گونه آموزشی صورت نگرفته و به فلسفه وجودی پرونده شخصیت توجه نشده و این پرسش‌نامه ساده و کارشناسی نشده نمی‌تواند به مقام قضایی کمک کند و تنها به جهت لزوم قانونی تهیه می‌شود. گردآوری اطلاعات از منابع متنوع و معتبر همچون مددکار اجتماعی، خانواده، مدرسه و ارزیابی‌های روان‌شناسی اهمیت بالایی دارد تا تصویری جامع و دقیق از نوجوان ارائه شود. اما بررسی پرونده‌های موجود نشان می‌دهد که این اصل در عمل رعایت نشده و اطلاعات از گفت‌وگوهای سطحی بین مددکار و نوجوان به دست آمده است و این مسئله گویای فاصله میان هدف و واقعیت اجرای آن در عمل است. در هیچ‌کدام از فرم‌های موجود اثری از هیچ‌گونه گزارش یا تست‌های مورد پذیرش و تایید شده توسط متخصصان علم روانشناسی و روانپزشکی و روانکاو دیده نشده و نظریات قوی و کارآمدی که بتوان به کمک آن به تحلیل شخصیت فرد بزهکار و شناختی دقیق از وی دست یافت مشاهده نگردید. در حالی که «شناخت وضعیت جز با تشکیل اصولی پرونده شخصیت به دست متخصصان به صورت علمی و کاربردی عملی نخواهد گشت. ابزاری که در قانون بدون توجه به کارکردهای آن و لزوم تشکیل آن به نوعی در جهت رفع تکلیف به صورت ناقص و با کمی اغماض به دلیل نبود توانایی در اجرا، به صورت ناکارآمد درآمده است».^{۵۶} تمیز تظاهر و یا واقعی بودن رفتار و اظهارات متهم تنها از عهده متخصص حاذق برمی‌آید و اهمیت کسب نظر متخصص به مراتب بیش از تحقیق از خود متهم و خویشان و مطلعان می‌باشد و معیار تصدیق و یا تکذیب سایر موارد است. بیان صرف مشخصات طفل و نوجوان و شرح اوضاع زندگی، به هیچ وجه با فلسفه وجودی ایجاد پرونده شخصیت همخوانی ندارد.

۳-۲ شیوه تحلیل اجزای پرونده شخصیت

برای بهره‌برداری مؤثر از پرونده شخصیت، داشتن تخصص و آموزش ویژه در حوزه اطفال ضروری است و صرفاً تخصصی شدن ساختار دادگاه‌ها یا تفکیک سنی از بزرگسالان کفایت نمی‌کند. اطلاعات ثبت‌شده در پرونده‌های شخصیت اغلب سطحی و خام و شامل مواردی نظیر سن، دین، وضعیت تأهل خود فرد و والدین، وضعیت سکونت، اشتغال والدین و نوجوان، سابقه اعتیاد والدین، وضعیت تحصیلی فرد مرتکب و والدین، نوع رابطه میان فرد و والدین، وضعیت مالی خانواده می‌شوند. تنها جمله‌ای که به عنوان نظریه کارشناس در انتهای تمامی برگه‌ها نگارش شده، «پیشنهاد مساعدت به قاضی رسیدگی کننده به علت عدم سابقه کیفری است. مشخصاً بود یا نبود چنین جمله‌ای در پایان پرونده شخصیت بدون در نظر گرفتن نظریه تخصصی پزشک یا روانپزشک و روانشناس، تاثیری در آگاهی قاضی رسیدگی کننده به پرونده ندارد و نداشتن سابقه کیفری در مورد گروه سنی نوجوانان امری نسبتاً بدیهی است که بدون بیان آن نیز درک این مورد امری دشوار نیست! پاسخ‌های ناقص یا نبود اطلاعات کامل ناشی از «فقدان ضمانت اجرا از سوی قانونگذار و ابلاغ نشدن الزامات قانونی آن در نحوه تشکیل پرونده شخصیت، ارائه نشدن راهکارهای اجرایی در قوانین تصویب شده، فراوانی جمعیت کیفری، فقدان تعیین ضمانت اجرای استنکافات مقامات قضایی، ایجاد نشدن بستر فرهنگی و مدنی، تطویل دادرسی، ضعف در آموزش، نداشتن تخصص و مهارت لازم در کارکنان نظام عدالت کیفری، کمبود ابزارهای لازم

^{۵۶} علی اصغر نجفی، و مهدی نصرافهانی. «رویکرد ترمیمی پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی». فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره ۳، شماره

و بهره‌نبردن از فناوری پیشرفته در میزان ناکارآمدی این مهم اثر فراوانی داشته است»^{۵۷} و حتی به علت فشارکاری مددکاران اجتماعی و کمبود زمان برای مصاحبه‌های عمیق، بی‌اعتمادی یا بی‌انگیزگی فرد بزه‌کار برای همکاری، یا فقدان باور به کاربردی بودن این اطلاعات در روند قضایی نزد مددکار یا نوجوان؛ این کاستی‌ها، اعتبار اطلاعات مندرج در پرونده شخصیت را کاهش می‌دهد.

برای به روزرسانی وضعیت فعلی روند استفاده از پرونده شخصیت، در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، مراجعه‌ای به یکی از شعب دادسرای مجتمع قضایی شهید قاسم سلیمانی صورت گرفت. مطابق اعلام رئیس شعبه، به‌طور میانگین ماهانه ۱۲۰ پرونده به این شعبه ارجاع می‌شود. در پرونده‌های ارجاع شده، با استناد به باورهای شخصی قضات و توصیه‌های قانونی برای جلوگیری از ورود اطفال و نوجوانان به فرآیندهای رسمی دادسرا و دادگاه و همچنین برای ممانعت از برخورد مستقیم آنان با سایر مرتکبان که جرم‌شان پیش‌تر اثبات شده است، تلاش می‌شود تا حد امکان قراردادهای منع تعقیب صادر شود. با این حال، به علت ضعف در محتوای پرونده‌ها، تصمیمات عمدتاً بر تجربه شخصی قضات استوار باشد و عملاً تشکیل پرونده شخصیت به صورت ذهنی و همزمان با فرآیند رسیدگی قضایی انجام می‌گیرد. در اغلب موارد، در آراء صرفاً به عباراتی کلی همچون «به استناد موارد مندرج در پرونده شخصیت» اکتفا شده و ارجاع مستقیمی به مفاد پرونده شخصیت صورت نگرفته است. این پرونده‌ها نقش موثری در تعیین نوع کیفر نداشته و این وضعیت بیانگر نوعی گسست میان اطلاعات مددکاری و سازوکار تصمیم‌گیری قضایی است؛ گسستی که فلسفه وجودی نهاد پرونده شخصیت را با چالش مواجه ساخته است.

۳-۳ همگرایی و واگرایی اطلاعات پرونده شخصیت

بررسی داده‌های پرونده شخصیت نشان می‌دهد که تمرکز اصلی این فرم‌ها بر عوامل بیرونی مانند شرایط خانوادگی و اجتماعی است، نه ویژگی‌های درونی و روانی و حتی جسمی کودک یا نوجوان. در فرم‌های موجود، تنها مؤلفه مفید مرتبط با هویت فردی، اشاره به سن مرتکب است. این نکته نشان می‌دهد که بازه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال، یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی است که نوجوان در آن با نقش‌های جدید در خانواده و جامعه مواجه می‌شود. مطالعه ۳۰ پرونده شخصیت نشان داد که داده‌ها اغلب ناقص، متناقض و فاقد انسجام هستند و تصویری نادرست از وضعیت نوجوان ارائه می‌دهند. عواملی چون نبود مصاحبه عمیق، ضعف همکاری نهادی، پنهان‌کاری خانواده و بی‌اعتمادی نوجوان در این واگرایی نقش دارند. پاسخ‌ها در فرم‌ها پراکنده و سطحی‌اند و ارتباطی با علل ارتکاب جرم ندارند، به‌طوری‌که نه‌تنها شناخت دقیقی از نوجوان به‌دست نمی‌دهد، بلکه گاهی تصویری تحریف‌شده و نامنسجم ارائه می‌شود. این وضعیت تا جایی پیش می‌رود که گویی پرونده شخصیت از فضای واقعی پرونده کیفری جدا افتاده و تنها به عنوان سندی الحاقی و بیگانه، به ضمیمه دادرسی اضافه شده؛ بی‌آنکه نقشی معنادار در روند تصمیم‌گیری ایفا کند.

با وجود تلاش سیستم قضایی ایران برای کاهش مداخله کیفری در جرایم کم‌اهمیت و نوجوانان، و استفاده از رویکردهای مدنی و اجتماعی، همچنان نیاز به تقویت جایگزین‌های مؤثر احساس می‌شود.^{۵۸} در بررسی آرای قضایی، گرچه احکام ملایم‌تر و پرهیز از برچسب‌زنی مشاهده می‌شود، اما تکیه بر پرونده شخصیت نیست و این مسئله به شکاف میان شعار توجه به شخصیت مرتکب و فقدان داده‌های منسجم و قابل تفسیر در عمل بازمی‌گردد؛ به‌طوری‌که اقدامات حمایتی بیشتر بر استنباط شخصی قضات استوار است، نه بر داده‌های علمی و ساختاریافته.

^{۵۷} جمادی، علی، رامین رستمی و جلال بهادری. «پرونده شخصیت از نگاه قانون‌گذار تا رویه محاکم». فصلنامه قضاوت، دوره ۲۱، شماره ۱۰۵،

۱۴۰۰، ۱۲۰.

^{۵۸} غلامی، حسین. «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۰، شماره ۶، (۱۳۹۲)، ۹۸-۹۷.

نتیجه

این گزاره قانونی که پرونده شخصیت جدا از پرونده عمل مجرمانه در نظر گرفته شود، گرچه در بادی امر نشان دهنده اهمیت و برجستگی پرونده شخصیت است ولی در واقع می‌تواند بیانگر کم اعتباری و سست بنیادی آن باشد. ظهور رویکرد اثبات گرایی در حقوق کیفری و برآمدن علت‌شناسی جرم و توجه به شخصیت مرتکب، در واقع به منزله درهم آمیختگی مقولات حقوق کیفری و جرم‌شناسی بود و به همین دلیل، پرونده شخصیت به عنوان یک پرونده مجزا، چندان مورد توجه نظام‌های قضایی قرار نگرفته است؛ زیرا پرونده‌ای که وجه کیفری دارد، لاجرم همراه با اطلاعات قابل اتکا و کافی در زمینه علل وقوع جرم نیز هست. این بدین معنا است که دادگاه کیفری در زمان ما بدون توجه به علل وقوع جرم، شخصیت و وضعیت بزه‌کار و موقعیت بزه‌دیده، اقدام به تعیین مجازات نمی‌کند. از این رو، دیدگاه برخی از دادگاه‌ها در ایران مبنی بر اینکه در فرآیند رسیدگی و به ویژه کیفرگزینی، قضات به طور قطعی به جنبه‌های شخصیتی مرتکب و علل وقوع جرم توجه می‌کنند و پرونده شخصیت در این زمینه اثری ندارد، دور از واقعیت نیست. در واقع آنچه که قانون صحبت از پرونده مجزا به نام پرونده شخصیت می‌کند، تنها وجه رسمیت یافته و نام گرفته تحقیقاتی است که کم و بیش در فرآیند کیفری مطرح بوده است. بنابراین طرح پرونده شخصیت مجزا از پرونده کیفری، در بهترین حالت، تاکید بر توجه به جنبه‌های جرم شناختی جرم ارتكابی و مدنظر قرار دادن عوامل دخیل در ارتكاب جرم است.

در برابر اگر مجزا بودن پرونده شخصیت از پرونده عمل مجرمانه، مطرح نبود؛ در این صورت محتوای چنین پرونده‌ای چه بسا بهتر از وضعیت کنونی در آرای دادگاه نمود می‌یافت؛ به عنوان مثال، در حالی که در رویه قضایی، اشاره کلی به محتوای پرونده شخصیت می‌شود، اگر قانون هویت مجزا برای پرونده شخصیت قایل نمی‌شد ولی در برابر قضات الزام می‌کرد که محتوای موردنظر در این پرونده را در رای دادگاه ذکر و توجیه و آثار مترتب بر آن را بیان کنند، به مراتب کارآمدی بهتری می‌داشت. گواه این ادعا همانا تاثیر محتوای پرونده شخصیت در پرونده کیفری است به گونه‌ای که آنچه از پرونده شخصیت انتظار می‌رود در واقع برای شکل‌گیری متعارف و مطلوب پرونده کیفری موثر است. در این راستا محتوای پرونده شخصیت، به احراز عناصر جرم، اوصاف و ارکان مسوولیت کیفری و الزامات تعیین کیفر کمک موثری می‌کند، یعنی همه آنچه که در پرونده کیفری بایسته و شایسته است. در اثبات جرم، اطلاعاتی که انتظار می‌رود در پرونده شخصیت منعکس شود، به نحو موثری می‌تواند در اثبات رابطه استناد و نیز رکن روانی و انگیزه ارتكاب جرم کمک‌کننده باشد. همین طور این اطلاعات کمک می‌کند تا شرایط مسوولیت کیفری (عقل، بلوغ و اختیار) و نیز استثنائات مسوولیت کیفری (مسوولیت کیفری ناشی از فعل غیر و مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی) به نحو مستندتر و محکم‌تری احراز شوند و در نهایت اطلاعات مزبور، مهمترین دستاویز برای اعمال ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن در راستای اصل فردی کردن کیفر و تعیین مطلوب مجازات است.

نتیجتاً قانون آیین دادرسی کیفری به ویژه با جداسازی پرونده شخصیت از پرونده عمل مجرمانه و اختصاص دادن آن به جرایم محدود و به اصطلاح جرایم مهم، در تبیین چرایی این نهاد موفق نبوده است؛ به گونه‌ای که هم در قانون و هم در رویه این برداشت، پررنگ شده که پرونده شخصیت، نهادی برای جلب توجه بیشتر نسبت به علل وقوع جرم است و سازوکارهای مشخصی برای اثرگذاری بر فرآیند کیفری و به ویژه کیفرگزینی ندارد.

از منظر چگونگی تشکیل پرونده شخصیت و استفاده از آن نیز وضعیت پرابهام این نهاد به وضوح دیده می‌شود. در رویه قضایی، پرونده شخصیت به عنوان یک پرونده مجزا و به عبارت بهتر یک پرونده بیگانه است و به صورت صوری و ظاهری مورد توجه قرار می‌گیرد. تدوین فرم پرونده شخصیت، همانند فرم‌های اداری شده که با توضیحات مختصر و

غالباً با علامت زدن نشانه‌ها، تنظیم می‌شود و توجه به محتوای آن از دید مقام قضایی، بسی کوتاه‌تر از زمانی است که برای تنظیم این فرم اختصاص داده می‌شود.

پیشنهاد این نوشتار در راستای کارآمدسازی نهاد پرونده شخصیت در نظام قضایی ایران از طریق توجیه چرایی و اصلاح چگونگی تشکیل و بهره‌گیری از آن است. پرونده شخصیت، هم بعد حقوق کیفری دارد و هم جرم‌شناختی. پرونده ای هم مرتبط با هر سه محور اصلی حقوق کیفری عمومی یعنی جرم، مجرم و مجازات است و هم علت‌شناسی وقوع جرم. بنابراین، پرونده شخصیت از جهت محتوایی در مقام مستند و متقن کردن موضوعات و قرائنی است که در اثبات جرم، احراز مسوولیت کیفری و تعیین مجازات نقش آفرین اند. گرچه جایگاه قانونی پرونده شخصیت به ویژه از جهت عدم پوشش همه جرایم، ناستوار است ولی دست کم برای نوجوانان بزهکار می‌تواند همچنان فلسفه قابل قبولی داشته باشد به این صورت که می‌توان این راهبرد را نسبت به نوجوانان در نظر داشت که اولاً همه جرایم اصلی این گروه از بزهکاران باید به مدد پرونده شخصیت مورد بررسی دقیق قضایی قرار گیرد و مقام قضایی احراز کند که تصمیم اش، تلفیقی است از یافته‌های موجود در پرونده کیفری و اطلاعات مندرج در پرونده شخصیت است. ثانیاً جرایم خرد درجه ۷ و ۸ نیز گرچه از تشکیل پرونده شخصیت کنار گذاشته شده‌اند، ولی به منزله بی‌توجهی به شخصیت مرتکب و عوامل ارتکاب جرم نیست به ویژه اینکه این جرایم سبک می‌توانند دروازه جرایم سنگین باشند، بلکه بدین معنا است که در جرایم کم اهمیت، نسبت به نوجوانان، در واقع پرونده شخصیت به طور مجزا تشکیل نمی‌شود ولی الزامات مرتبط با آن به صورت تلفیقی در پرونده کیفری منعکس می‌شود.

پرونده شخصیت گرچه از منظر قانونی مجزا است ولی به واقع بخش جدایی ناپذیر پرونده کیفری در مرحله تصمیم‌گیری است و روح یک تصمیم قضایی را شکل می‌دهد. به سخن دیگر، پرونده شخصیت در حال حاضر اصلی ترین نماد «موجه سازی رای» است که در ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری برای تصمیمات قضایی پیش‌بینی شده است. به هر اندازه که رای با استناد به مواد قانونی و توجه به واقعیات پرونده و استدلال‌های موجود در محیط‌های علمی و پژوهشی، «مستند» و «مستدل» می‌شود، به همان اندازه نیز برای «موجه شدن» به عنوان ضلع سوم یک رای معتبر، نیازمند توجه به اطلاعات پیرامون شخصیت مرتکب و علل ارتکاب جرم و وضعیت حاکم بر زمان و مکان جرم است که در پرونده شخصیت منعکس می‌شود. مستند و مستدل بودن رای بیشتر برای اقناع نخبگان قضایی به ویژه دادگاه‌های عالی و حقوقدانان است ولی موجه بودن رای، برای اقناع هم نخبگان قضایی و حقوقی و هم جامعه است و چنین است اهمیت پرونده شخصیت.

منابع

الف) فارسی

۱. آبروشن، هوشنگ، علیرضا سایبانی و بهزاد رضوی فرد. «جنبه‌های الگوی عدالت کیفری در پاسخ به بزهکاری اطفال و نوجوانان». نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰۰، ۱۴۰۱. <https://doi.org/10.52547/jlr.2023.185325.1720>
۲. آشوری، محمد، و شادی عظیم‌زاده. «جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان». فصلنامه حقوق، دوره ۴۳، شماره ۱، ۱۳۹۲. <https://doi.org/10.22059/jlq.2013.35287>
۳. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. جلد نخست. چاپ بیست‌وچهارم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۴. تقوایی، مسعود، و اصغر ضرابی. «بررسی عوامل مؤثر بر میزان جرم در مناطق مختلف شهر شیراز». فصلنامه علوم اجتماعی (علامه طباطبایی)، شماره ۴۸، بهار ۱۳۸۸. به نقل از کی‌نیا، مهدی. مبانی جرم‌شناسی. تهران: انتشارات تهران، ۱۳۷۹. <https://doi.org/10.22054/qjss.2010.872>
۵. جمادی، علی، رامین رستمی و جلال بهادری. «پرونده شخصیت از نگاه قانون‌گذار تا رویه محاکم». فصلنامه قضاوت، دوره ۲۱، شماره ۱۰۵، ۱۴۰۰.
۶. حسینی، سیدمحمد، و ابراهیمی زرنندی. «تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲، سال اول، ۱۳۹۱. به نقل از Brown, L. *Geography of Crime*. 1981.
۷. خالقی، علی. نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ چهارم. تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵.
۸. رضویان نجف‌آبادی، ژاله. «جایگاه وضعیت ذهنی و روانی مرتکب حین ارتکاب جرم در کیفرگزینی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مفید، ۱۳۹۶.
۹. سبزه‌علی، راضیه، محمود اشرافی و مسعود حیدری. «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران». مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۲، شماره ۱۰۴، ۱۳۹۶. <https://doi.org/10.22106/ijl.2018.34678>
۱۰. شاملو، باقر، و محمد گوزلی. «پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۲، ۱۳۹۰.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ. بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
۱۲. صالحی، جواد، حسین پورمحمی‌آبادی و معصومه سالاری‌راد. «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری اولیه و ثانویه کودکان». مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، ۱۳۹۱. به نقل از وینتر، رنانه. سیاست‌های بین‌المللی در خصوص نوجوانان. تهران: صنوبر، ۱۳۸۲.
۱۳. عاکفی، لاله، امیر ایروانیان و امیر پاک‌نهاد. «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار از دیدگاه زنان کارشناس». فصلنامه زن و جامعه، دوره یازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹.
۱۴. غلامی، حسین. «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۰، شماره ۶، ۱۳۹۲.
۱۵. فروزش، روح‌الله. جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۶.
۱۶. قربانی زبردھی، پگاه. پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار: با رویکردی تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایالات کالیفرنیا. تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲.
۱۷. کاظمی، سیدعلی، وحید هدایتی، شهناز چراغ و سارا غلامی. گزیده اسناد بین‌المللی حقوق کودک. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
۱۸. محسنی، مرتضی. کلیات حقوق جزای عمومی. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۷۵.
۱۹. محمدی اصل، عباس. «بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی»، تهران، نشر علم، ۱۳۸۵: ۱۱.
۲۰. مظلومان، رضا. «آیا مجرم گناهکار است؟» نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۰، شماره ۳، ۱۳۴۹. <http://noo.rs/JPi64>
۲۱. مولاپور راشدی، حامد، سیدمهدی احمدی موسوی و امین‌الله زمانی. «مطالعه حقوقی جرم‌شناختی پرونده شخصیت با رویکرد پیشگیرانه در حقوق ایران و کانادا». فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۱۴، شماره ۵۴، ۱۴۰۳. <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2023.388237.4028>

۲۲. میرکمالی، سیدعلیرضا، و انسیه حسینی. «دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۹۵.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. «تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری». در: کیت سوتیل و دیگران. شناخت جرم‌شناسی. ترجمه امیر روح‌الله صدیق بطحایی اصل. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۳.
۲۴. نجفی توانا، علی. بزهکاری اطفال و نوجوانان. چاپ اول. تهران: انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۲.
۲۵. نوریها، رضا. زمینه جرم‌شناسی. تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸.
۲۶. نجفی توانا، علی. «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار». فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۸۸.
۲۷. نجفی، علی اصغر، و مهدی نصرافهانی. «رویکرد ترمیمی پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی». فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره ۳، شماره ۲، ۱۴۰۱.
۲۸. نیازپور، امیرحسین. «پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.
۲۹. یزدیان جعفری، جعفر. «اصل فردی کردن مجازات‌ها، تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر». فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۸۵.

ب) انگلیسی

1. Ge, X., Donnellan, B., and Wenk, E. "Differences in Personality and Patterns of Recidivism between Early Starters and Other Serious Male Offenders." *Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*. University of California, 2003.
2. HM Inspectorate of Probation. *Court Reports*. UK Government, 2024.
3. Legislation.gov.uk. *Sentencing Act 2020 - Section 30*. UK Government, 2020.
4. Ministry of Justice. *Probation Service Management of Young Adults*. UK Government, 2022.
5. Ministry of Justice. *Probation Court Services Policy Framework*. UK Government, 2025.
6. Robinson, G. J. "Stand-Down and Deliver: Pre-Sentence Reports, Quality and the New Culture of Speed." *Probation Journal* 64, no. 4 (2017). <https://doi.org/10.1177/0264550517734928>
7. Siegel, L. J., and Welsh, B. C. *Juvenile Delinquency: Theory, Practice and Law*. 13th ed. Massachusetts: Cengage Learning, 2017.
8. Tešović, O. *Introducing Pre-Sentence Reports in the Serbian Criminal Justice System: Comparative Experiences and Potential Benefits*. 2024. <https://doi.org/10.47152/PrisonLIFE2024.24>
9. Rizk, T., and Bhakta, T. *A Process Evaluation of the Pre-Sentence Report Pilot*. 2023.
10. van Kalmthout, A. M., and Durnescu, I. "European Probation Service Systems: A Comparative Overview." In *Probation in Europe*, edited by A. M. van Kalmthout and I. Durnescu, 1-42. Nijmegen: Wolf Legal Publishers (WLP), 2008. <https://doi.org/10.3818/JRP.14.1.2012.35>
11. Winfree, L. T., Jr., and Abadinsky, H. *Essentials of Criminological Theory*. 4th ed. Illinois: Waveland Press, 2009.
12. Zilka, M., Sargeant, H., and Weller, A. "Transparency, Governance and Regulation of Algorithmic Tools Deployed in the Criminal Justice System: A UK Case Study." 2022. <https://doi.org/10.1145/3514094.353420>